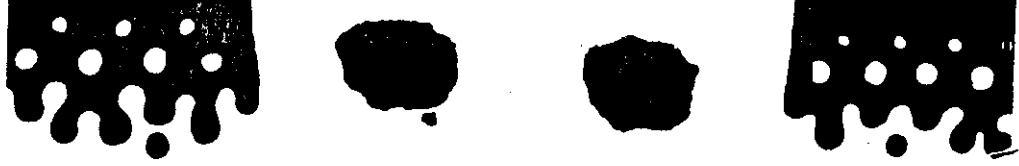


ماہنامہ



تاتر

«مولودی خوانی» یا «عروس قریش»

نمونه‌ای از:

جنبه‌های شادی‌افزای شبیه‌خوانی

نوشته:

خاخر عناصیری

استادیار مجتمع دانشگاهی هنر

معنی لغوی «تعزیه» با معنی اصطلاحی آن تفاوت دارد. تعزیه در لغت به معنی سوگواری و عزاداری و برپا داشتن یادبود عزیزان از دست رفته است. لیکن در اصطلاح به نوعی نمایش مذهبی، با آداب و رسوم و سنت‌هایی خاص اطلاق می‌شود و به خلاف معنی لغوی آن، غم‌انگیز بودن شرط حتمی آن نیست و ممکن است گاهی شادی‌بخش نیز باشد. گوا اینکه این نمایش‌ها در آغاز به منظور یادآوری مظلومیت شهیدان دین یا معصومیت چهره‌ای اساطیری برپا شده و نوع شادی‌افزای آن بعدها و در نتیجه تکامل این هنر بدان مزید گشته است. از این روست که لفظ «شبهه» که مفهوم «نمایش» را افاده می‌کند، از کلمه «تعزیه» که به نوع ترازدی مذهبی و عزاداری اطلاق می‌گردد، رساتر است. باید توجه داشت که اصطلاح «شبهه» از قدیم، هم برای واقعه‌ای که به وسیله «شبهه‌خوان»ها تعریف می‌شد و هم در مورد هریک از افراد واقعه به کار می‌رفت و در معنای اخیر، عبارت از نقشی است که شبهه‌خوان اجراء می‌کند.

آنچه در پیش رو داریم روایتی است از مولودی‌خوانی و عروس قریش و به عبارت دیگر از یک «شبهه‌خوانی شادی‌افزا» که ضمن برانگیختن احساسات زنان مؤمنه و نشان دادن غم

و تأثر جسته و گریخته‌ای که بردل ایشان از داستان عروسی زنان کفار قریش هجوم می‌آورد، در پایان نمایش، راویان مقام رفیع خیرالنسای عالم اسلام را از یکسو و چهره کربه و شرمنده زنان خیره‌سرفریش را از جانبی دیگر می‌نمایانند تا مبشر چیرگی خوبی بر بدی و حق بر باطل شوند و چهره‌های غمگین و مضطرب علاقمندان به بانوی بزرگوار اسلام را شادمان سازند. به این معنی است که شبیه‌خوانی در معنای شادی افزای آن بکار میرود.

شرح داستان چنین است:

هر سال بهنگام سالگرد میلاد حضرت محمد(ص) یا مبعث آن حضرت، و یا به مناسبت هائی از جمله در عقد کنان و روز پاتختی و... برخی از خانواده‌های مؤمن به نوعی شبیه‌خوانی زنانه می‌پردازند که «مولودی خوانی» یا «عروس قریش» می‌گویند. مولودی خوان‌ها یا اجراء کنندگان این نمایش مذهبی، دسته‌ای از زنان مؤمنه و با صوت و آواز دلنشین هستند. هنوز هم در برخی از نقاط ایران مولودی خوانان مقامی عزیز دارند و مولودی خوانی از جمله شبیه‌خوانی‌های شادی افزاست:

زنان قریش از جمله زوجه بولهب و خواهر ابوجهل به سابقه کینه و عداوتی که با خاندان

تبت داشتند، مجلس عروسی آراستند:

در عروسی خانه زن‌های عرب
غرق زیور گشته و گرم طرب
چیده هر جانب بساط بیغمی
داده از هر سو صدای خُرتمی

زنان قریش پس از آراستن مجلس، به فکر می‌افتند تا از باب تمسخر و تحقیر خیرالنساء و دختر خیرالبشر حضرت فاطمه(س) را به عروسی خود دعوت کنند:

عود و عنبر چون به مجمر ریختند
بُت پرستان رنگ دیگر ریختند

زوجه فاطمه شکل بولهب خطاب به زنان عرب می‌گوید که محمد مصطفی(ص) دعوی بیغمبری دارد و دخترش ادعای برتری. اما جملگی زنان حاضر در این مجلس جامه‌های زیبایی برتن دارند و پای تاسر غرق در زیورند. اگر دختر بیغمبر به مجلس ما پای نهد، مسلماً از بی جامگی سرافکنده و شرمگین و خوار خواهد شد:

جامه ما مایه گنجینه است
در بر او جامه پشمینه است

وانگهی فاطمه از شدت فقر و از زور غم با درمردگی، غمگین است و فرصتی است تا

برغم‌های او بیافزاییم:

ما به زر زآئینه دل برده زنگ
اوندارد جز دلی در سینه تنگ
رخت او از لیف خرما وصله دار
تار و بود جامه ماز رنگار
قصه ما چون خفت خیر النساء است
خواستن او را در این مجلس بجاست.

به سفارش همسر بولهب، جمعی از زنان قریش، مُلبس به لباس عشرت و عیش و خُرم و خندان به نزد حضرت محمد (ص) رفتند و به مکر حیل از حضور آن حضرت درخواست کردند که به سابقه هم قبیله بودن و آشنائی - دخترش زهرا (س) را به عروسی آنها بفرستد. حضرت محمد (ص) اگر چه به منظور زنان قریش واقف بودند با اینحال از دختر عزیزشان خواستند تا بخاطر رفع کدورت، در آن مجلس حضور یابد.

حضرت فاطمه (س) عرض می کنند:
چه سان برهنه و عریان روم به محفل ایشان
نه زیور ی که بیندم نه جامه ای که بپوشم
دماغ صحبت این فرقه حسود ندارم
که برده کینه این قوم صبر و طاقت و هوشم

حضرت زهرا علی الخصوص از بی آرزمی دختر شبیه وزن عتبه و خواهر ابوجهل وزن دست بریده ابولهب و زن بی حرمت ابوسفیان گله می کند و از رفتن به مجلس زنان قریش عذر می خواهد. تا اینکه جبرئیل نازل می گردد و بعد از سلام ربّ جلیل خطاب به حضرت فاطمه (س) می گوید:

جبرئیل:

که ای حبیبه ما موسم آلم دور است
مخور غم این همه ایام درد و غم دور است
بود طفیل وجودت زنان حور سرشت
کمینه خادمهات حوریان هشت بهشت
مُرخصی که به بزم طرب بیآسائی
قدم به رفتن آن بزم رنج فرمائی

حضرت فاطمه (س) چون این پیام را شنید، عرض کرد که ای پدر چون مأمورم به حکم خداوند و رسولش، تأقل در این باب دیگر جایز نیست. جبرئیل همراه پیام— یکدست رخت با زرو زیور بهشتی حضور آن بانوی مکرمه آورده بود. حضرت آنها را دربر کرد و در مجلس زنان قریش حاضر گشت در حالیکه حوربان مجمر گردان از پیش روان بودند و زیبا رویان بهشتی، به اذن خداوند گوشه هائی از چادر مظهر آن حضرت را بردست گرفته و برای دفع چشم زخم، سپند بر آتشدان می ریختند و عود به مجمر می افروختند— در کنار حضرت فاطمه (س) به محفل عیش زنان کفار عرب وارد شدند.

زنان قریش با کمال راحتی در مجلس نشسته و هریک در این اندیشه بودند که الحال دختر خیرالبشر با کهنه معجری و مندرس چادری وارو خواهد شد و سر به پیش افکنده و شرمنده از بزم بیرون خواهند رفت که ناگاه:

حضرت فاطمه (س) با حله ای از حلل بهشتی دربر و تاجی مریصع بدر شاهوار و باقوت آبدار بر سر— رشته های مروارید از اطراف جامه اش آویخته و با جلال و وقاری که نتیجه عنایت حضرت پروردگاری و ارمغانی از سوی او بود وارد مجلس شد:

زنان چون سطوت آن بانوی جنان دیدند

زرشک فاطمه بر خود چو ماری بیچیدند

زنی نماند که مبهوت آن جمال نشد

زنی نماند که نطقش زغصه لال نشد

زنان عرب چون صورت بی جان واله و حیران شدند که ابا دختر کدام خاقان و زیورهای خزان کدام سلطان در طرفند:

چو دانستند زین شوری که برخاست

که این خورشید عالم تاب زهر است

لباس خجلتی کاؤل بریدند

سزاوار وجود خویش دیدند

فوجی از حیرت مدهوش و قومی از خجلت خاموش گشته، جمعی سرافکنده از مجلس بیرون رفتند و بعضی لب به عذر گشودند که ای خاتون کدام شربت و چه طعامی پیش تو آوریم.

عروس قریش نیز از رؤیت جمال جمیل آن حضرت و از عظمت و وقار بانوی محبوب جهان اسلام، وحشت زده به حالت بیحالی و مرگ افتاد. خویشان عروس از کرده خود پشیمان گشتند و دست بدامن بانوی معصومه جزیره العرب زدند و پیای او افتادند. حضرت به بالای سر عروس رسید و به اذن خداوند دوباره به او جان بخشید. زنان قریش از تماشای این معجزه توبه کردند و مسلمان شدند.

این نمایش و شبیه‌خوانی با طشت‌زنی و هلله و شعر و آوازه همراه است و بازیگران لباس ویژه‌ای برتن می‌کنند. تماشاگران که همه زن هستند— و مردان اذن حضور در این شبیه‌خوانی را ندارند— با بازیگران در اجرای نمایش هم‌رمی می‌نمایند.

مجریان این نمایش اسطوره‌ای و مذهبی و آیینی و شبیه‌خوانان این مراسم، از تاریخچه دقیق اجرای مراسم آگاه نیستند گرچه احتمال داده می‌شود که اجراء یا حداقل تکرار این شبیه‌خوانی‌ها به دوره قاجار مربوط باشد. یعنی روزگاری که شبیه‌خوانی مردانه در اوج شکوفائی بود و زنان در تعزیه مردانه نقشی نداشتند و حتی نقش بانوان مقدسه— در تعزیه— به عهده مردان بود. از این نظر زنان در خلوت مراسمی کاملاً زنانه اجراء می‌کردند. مولودی‌خوانی از جمله همین مراسم و شبیه‌خوانی‌ها بشمار می‌رفت.

نحوه اجراء و صحنه آرائی این شبیه‌خوانی باین صورت بود:

نخست مجلس بزم زنان قریش مجسم می‌گردید که چشم انتظار حضرت فاطمه (س) هستند. ابتداء آئینه‌دار وارد مجلس می‌شود سپس حضرت فاطمه (س) در حالیکه لباس سبزی برتن و تور سبزی بر صورت دارند در مجلس زنان حاضر می‌گردند. دختران با لباسهای سبز، شمعدان‌ها را با شمع‌های افروخته بر دست گرفته و به عنوان حوریان در طرفین آن حضرت می‌ایستند.

جملگی زنان قریش، رخت سرخ‌رنگ برتن دارند. مولودی‌خوان‌ها چادر تور مشگی بر سر می‌کنند و لباس هائی از پارچه‌های براق می‌پوشند.

مولودی‌خوان سرپرست— از کرامات حضرت فاطمه (س) یاد می‌کند و یادآور می‌شود که اگر کسی حاجتی دارد حتماً در این مجلس می‌گیرد. فقط هنگام شعرخوانی باید دست بزند و هلله کند. در طول مدت نمایش، دو نفر از مولودی‌خوان‌ها، با نواختن بر روی طشت، صحبت را همراهی می‌نمایند.

یکی از زنان در نقش عروس قریش با چارقد سرخ بر سر و بیراهن قرمز برتن ظاهر می‌شود و روی صندلی می‌نشیند. آنگاه صاحب مجلس یک سینی می‌آورد که در آن یک کیسه حنّام یک صابون، یک چوب هیزم نیم سوخته و یک قوطی سرخاب دیده می‌شود. سردهسته مولودی‌خوان‌ها پا می‌شود و آن چوب هیزم را بجای میل شرمه به دست می‌گیرد. نزدیک «عروس» می‌آید. و تظاهر می‌کند که می‌خواهد عروس را بی‌آراید. چوب هیزم را پیش چشمان عروس حرکت می‌دهد و شعرهائی می‌خواند. قوطی سرخاب را بر می‌دارد و دولپ او را سرخ می‌کند. تور قرمز هم روی صورتش می‌اندازد. هنگامیکه حضرت فاطمه (س) سبزینه پوش و با ابتهت وارد مجلس می‌شود، عروس قریش محو جمال جمیل آنحضرت می‌گردد و از بی‌قوارگی وجود خویش شرم‌منده و از نیت بدی که در دل داشته است، وحشتزده می‌شود.

بانوی سرپرست در این حال از کرامات حضرت فاطمه (س) سخن می گوید که از برکت قدوم آن حضرت و به اذن خداوند عروس قریش دوباره زنده می شود. این زنده شدن با شادی و هلهله فراوان توأم است. طشت زن ها هم با جمعیت همراهی می کنند و مجلس به محفل شادمانی و خوشحالی مبدل می گردد. سپس شربت و شیرینی و نقل و نبات در بین حضار تقسیم می شود.

بدینسان «شبیه» عروس قریش با شبیه خوانی مولودی خوان ها گوشه های از جنبه شادی افزای تعزیه و شبیه خوانی را می نمایاند.

